

بررسی نقش نظارتی هیأت مدیره در اجتناب مالیاتی شرکت های خانوادگی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

امین ناظمی*^۱، محمدرضا پورعنتقا^۲

چکیده

هدف اصلی پژوهش حاضر آزمون ارتباط بین مالکیت خانوادگی و اجتناب مالیاتی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با در نظر گرفتن نقش تعدیل کنندگی نظارت مؤثر هیأت مدیره است. به همین منظور، از معیارهای نرخ مؤثر مالیاتی جهت اندازه گیری اجتناب از پرداخت مالیات استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران هستند و نمونه آماری شامل ۸۷ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است که در طی سال های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۳ مورد بررسی قرار گرفته است. از آزمون مقایسه میانگین دو جامعه مستقل و تحلیل آماری رگرسیون خطی چند متغیره برای آزمون فرضیه های پژوهش استفاده شده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان دهنده آن است که، میزان اجتناب مالیاتی در شرکت های خانوادگی به نسبت کمتر از میزان اجتناب مالیاتی در سایر شرکت ها است. همچنین بین درصد سهام متعلق به مدیرعامل در شرکت های خانوادگی و نرخ مؤثر مالیاتی رابطه مثبت معناداری وجود دارد و متغیرهای نقش نظارتی هیأت مدیره باعث تعدیل این رابطه می شود. از این رو در شرکت های خانوادگی، استقلال هیأت مدیره و اندازه هیأت مدیره باعث تشدید و دوگانگی نقش مدیرعامل و رئیس هیأت مدیره باعث تضعیف رابطه بین درصد سهام متعلق به مدیرعامل و نرخ مؤثر مالیاتی می شود.

واژه های کلیدی: اجتناب از پرداخت مالیات، نرخ مؤثر مالیات، هیأت مدیره، شرکت خانوادگی.

۱. استادیار حسابداری، دانشگاه شیراز، شیراز
۲. کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه شیراز، شیراز

۱. مقدمه

به طور کلی شرکت‌ها را می‌توان به دو دسته خانوادگی و غیرخانوادگی طبقه‌بندی کرد. با توجه به تعریف اندرسون و ریب (۲۰۰۳) مبنی بر این که شرکت‌های خانوادگی شامل شرکت‌هایی است که میزان زیادی از سهام آن‌ها در دست اعضای خانوادگی است و این افراد به طور فعال در مدیریت شرکت مشارکت دارند. در نتیجه انتظار بر آن است که ساختار مالکیت شرکت از دیدگاه خانوادگی بر تصمیم‌های شرکت‌ها تأثیرگذار باشد.

از سوی دیگر، پرداخت مالیات یکی از منابع اصلی تأمین درآمد هر کشوری است، اما شرکت‌ها معمولاً سعی بر آن دارند تا از پرداخت مالیات خود اجتناب کنند. به عبارت دیگر، از آنجا که پرداخت مالیات توسط شرکت‌ها هزینه زیادی به آن‌ها تحمیل می‌کند، معمولاً مدیران این شرکت‌ها سعی بر عدم پرداخت مالیات و یا به بیان دقیق‌تر تصمیم به اجتناب مالیاتی می‌گیرند. با این حال، با توجه به گستردگی مالکان شرکت‌ها و دیدگاه‌های متفاوت انواع مختلف سرمایه‌گذاران نسبت به پرداخت یا عدم پرداخت کامل مالیات، هیأت مدیره که به‌عنوان نمایندگان سهامداران ناظر بر مدیران اجرایی شرکت هستند، می‌تواند در این خصوص نقش مؤثری داشته باشند. در همین راستا، پژوهش حاضر با این انگیزه انجام شده است که رابطه بین مالکیت خانوادگی و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها در بورس اوراق بهادار تهران را با در نظر گرفتن نقش تعدیل‌کنندگی نظارت هیأت مدیره مورد مطالعه قرار دهد.

۲. اهمیت و ضرورت پژوهش

با جدایی نقش مالکیت از مدیریت در شرکت‌های امروزی، به دلیل وجود تضاد منافع بین این دو گروه مشکلات نمایندگی به وجود می‌آید. با این حال که مالکیت شرکت از مدیریت آن جدا شده است، اما هنوز در برخی از موارد مالکان در تصمیم‌های راهبردی شرکت‌ها دخالت دارد. از طریق هیأت مدیره و یا از طریق حضور در بدنه مدیریت اعمال نفوذ می‌کنند. دلیل این امر وجود ساختارهای متفاوت مالکیتی است. از دیدگاه سونگینی و همکاران (۲۰۱۳) مالکیت خانوادگی یکی از رایج‌ترین اشکال ساختار مالکیت شرکت‌ها در دنیای امروزی است. علیرغم اهمیت این موضوع پژوهش‌های اندکی در خصوص شرکت‌های خانوادگی انجام شده است (سالواتو و مورس، ۲۰۱۰). در اکثر پژوهش‌های پیشین (به‌عنوان مثال، هانلن و هیتزمن، ۲۰۱۰) نقش ویژگی‌های خاص شرکت‌ها در تعیین میزان اجتناب مالیاتی به وسیله شرکت‌ها مورد بررسی قرار گرفته است و تنها در محدود پژوهش‌هایی نقش مالکیت خانوادگی و ویژگی‌های مدیران و انگیزه‌های آن‌ها در تعیین میزان اجتناب مالیاتی مورد تحلیل قرار گرفته است. پژوهش حاضر از چند جنبه به ادبیات فعلی در

زمینه مدیریت مالیات کمک می‌کند. اول، این که پژوهش حاضر میزان اجتناب مالیاتی را با در نظر گرفتن مالکیت خانوادگی یا غیرخانوادگی مورد بررسی قرار می‌دهد. افزون بر این، مطالعات قبلی تنها اثر مستقیم نظارت هیأت مدیره در تعیین رفتار متهورانه مالیات را مورد بررسی قرار داده‌اند (به‌عنوان نمونه، مینیک و نوگا، ۲۰۱۰؛ و لانیس و ریچاردسون، ۲۰۱۱)؛ اما در این پژوهش نقش تعدیل‌کنندگی نظارت هیأت مدیره مورد بررسی قرار می‌گیرد که در این حالت نظارت هیأت مدیره می‌تواند شدت رابطه بین مالکیت خانوادگی و اجتناب مالیاتی را تحت تأثیر خود قرار دهد. در نهایت، اکثر پژوهش‌های پیشین (به‌عنوان مثال، مک‌گوایر و همکاران، ۲۰۱۲؛ کاسیپیلای و ماهنشیران، ۲۰۱۳) در کشورهای توسعه‌یافته نظیر آمریکا انجام شده‌اند که به لحاظ ساختارهای اقتصادی و مالیاتی با کشور ایران متفاوت است؛ اما این پژوهش در کشور ایران، که یک کشور در حال توسعه است (نمازی و رضایی، ۱۳۹۲) انجام خواهد شد. علی‌رغم مطالب ذکر شده، در سال‌های اخیر با توجه به تحریم‌های اقتصادی علیه ایران و عدم خرید نفت ایران به وسیله سایر کشورها و در نتیجه جهت‌گیری بودجه کشور به سمت درآمد مالیاتی، ضروری به نظر می‌رسد که نقش مالکیت خانوادگی در تعیین میزان اجتناب مالیاتی در ایران مورد بررسی قرار گیرد. لازم به ذکر است که این پژوهش از این دیدگاه دارای نوآوری است که برای اولین بار این موضوع را در ایران مورد بررسی قرار می‌دهد و لذا از اهمیت بسزایی برخوردار است.

۳. مبانی نظری پژوهش

مالکیت خانوادگی. بر اساس تئوری نمایندگی یک نفر (مالک) تصمیم‌گیری مالی را به یک نفر دیگر (نماینده) واگذار می‌کند (جنسن و مک‌لینگ، ۱۹۷۶؛ و نمازی، ۱۳۸۴). وجود تضاد منافع موجب نگرانی مالکان (سهامداران) می‌شود تا جایی که آن‌ها برای اطمینان از تخصیص بهینه منابع توسط مدیران، اقدام به بررسی و ارزیابی عملکرد مدیران می‌کنند. به مرور زمان مشخص شده است که برخی از تصمیمات مدیران ممکن است موجب اتلاف منابع شرکت و از بین رفتن ثروت مالکان گردد. از سوی دیگر، مدیران همواره به دنبال این بوده‌اند تا ضمن حداکثر کردن منافع خود، به مالکان این اطمینان را بدهند که تصمیمات اتخاذ شده توسط آن‌ها در جهت منافع مالکان است (نمازی، ۱۳۸۴).

در مورد شرکت‌های خانوادگی، اعضای خانواده به عنوان مالک قسمتی از سهام شرکت، به عنوان مدیر انجام وظیفه می‌کنند؛ بنابراین، این افراد هم مالک هستند و هم نماینده. تا زمانی که از این دیدگاه به شرکت نگاه شود، مشکل چندانی در روابط نماینده-مالک به وجود نخواهد آمد ولی باید توجه کرد که افزون بر اعضای خانوادگی، افراد دیگری نیز صاحب سهام شرکت هستند

که در پست‌های مدیریتی شرکت جای ندارند. بنابراین، این امکان وجود دارد که اعضای خانوادگی عضو هیأت مدیره، به زیان سایر سهامداران عمل کرده و از این طریق ثروت خود را افزایش دهند. شرکتی خانوادگی است که مالکیت و کنترل شرکت به طور کامل در دست یک خانواده خاص باشد و اعضای خانواده در مدیریت و تصمیم‌گیری‌ها مشارکت داشته باشند.

می‌توان شرکت‌های خانوادگی را از جنبه‌های گوناگونی تعریف کرد:

۱. عضویت اعضای خانواده در هیأت مدیره (یا رده‌های مهم مدیریتی)؛

۲. درصد مالکیت سهام توسط اعضای خانواده؛

۳. کنترل یا نفوذ قابل ملاحظه خانواده در شرکت (نمازی و محمدی، ۱۳۸۹).

اجتناب مالیاتی. فرار از مالیات یک واژه کلی برای تلاش‌های افراد حقیقی، شرکت‌ها، سازمان‌ها، اتحادیه‌ها و غیره برای نپرداختن مالیات به صورت غیرقانونی است. فرار مالیاتی یعنی مودی مالیات به صورت عمدی صورت‌های مالی و اطلاعات درست را پنهان کند یا گزارش‌های مالی را به صورت نادرست به مقام مالیاتی برای کاهش بدهی مالیاتی ارائه نماید. هر روش غیرقانونی که باعث کاهش بدهی مالیاتی شود، فرار مالیاتی محسوب می‌شود. پنهان کردن درآمد یا اظهار آن کمتر از واقعیت، اظهار بیشتر از واقعیت هزینه‌ها، تحریف مقادیر و نقض قوانین از جمله راه‌های فرار از مالیات محسوب می‌شوند (خانی و همکاران، ۱۳۹۳).

اما، منظور از اجتناب مالیاتی، تلاش در جهت کاهش مالیات‌های پرداختی است. در واقع اجتناب از مالیات، نوعی استفاده از خلاءهای قانونی در قوانین مالیاتی جهت کاهش مالیات است (هانلون و هیترمن، ۲۰۱۰). اجتناب از مالیات یک فعالیت گریز از مالیات بدون شکستن خطوط قوانین و درون چارچوب قوانین مالیات است (اگراوال، ۲۰۰۷). اجتناب مالیاتی به‌عنوان هر استراتژی تعریف می‌شود که بدهی مالیاتی شرکت را کاهش می‌دهد (دیرنگ و همکاران، ۲۰۰۸). پاسترناک و ریکو (۲۰۰۸)، اجتناب مالیاتی را، استفاده قانونی از نظام مالیاتی برای منافع شخصی، به‌منظور کاهش مقدار مالیات قابل پرداخت به وسیله ابزارهایی که در خود قانون است، تعریف کرده‌اند. به عبارت دیگر، اجتناب از پرداخت مالیات کاهش تعهدات مالیاتی فرد با دور زدن قانون یا استفاده کامل از ظرایف قانونی است. بنا به دلایلی مانند وجود امتیاز ویژه در رفتار مالیاتی با فعالیت‌های خاصی در مقابل اصول کلی وضع مالیات و کاستی‌هایی در قوانین و مقررات مالیاتی ممکن است برای مؤدیان فرصت استفاده از راهکارهای قانونی جهت کاهش و یا عدم انجام تعهد مالیاتی آنان فراهم آید. در این صورت مؤدی می‌تواند از طریق راه‌های قانونی اقدام به اجتناب از مالیات کند.

محققان و پژوهش‌گران (چن و همکاران، ۲۰۱۰؛ خانی و همکاران، ۱۳۹۲)، جهت سنجش

اجتناب مالیاتی و به طور وسیع‌تر جهت بررسی دیدگاه مالیاتی شرکت، معیارهای مختلفی در نظر

گرفته‌اند. نرخ مؤثر مالیاتی نقدی و تفاوت دفتری مالیات از جمله معیارهای سنجش اجتناب از مالیات هستند که در این پژوهش تنها از نرخ مؤثر مالیاتی استفاده شده است. نرخ مؤثر مالیاتی نرخ واحد است که براساس آن، از فعالیت مشمول مالیات، مالیات اخذ می‌شود. به عبارت دیگر، نرخ مؤثر مالیاتی نرخ است که شرکت در نهایت متحمل می‌شود و متفاوت با نرخ مالیات تعیین شده از جانب دولت می‌باشد زیرا کلیه درآمدهای کسب شده به وسیله شرکت مشمول مالیات نمی‌شود و یا برخی از هزینه‌های انجام شده در شرکت از نقطه نظر مالیاتی جزء هزینه‌های قابل قبول نیست. تعیین نرخ مؤثر مالیاتی از مهم‌ترین موارد مورد بحث در حوزه مالیات می‌باشد. نرخ مؤثر مالیاتی می‌تواند به عنوان ابزاری جهت هدایت سرمایه استفاده شود و می‌توان با کاهش یا افزایش آن رفتار سرمایه‌گذار را در جهت سیاست‌های کلان دولت هدایت کرد (حسینی و شفیعی، ۱۳۸۹).

هیأت مدیره. یکی از ارکان اصلی شرکت‌ها، هیأت مدیره آن‌ها است. در همین راستا، ساختار و ویژگی‌های هیأت مدیره شرکت‌ها می‌تواند تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر تصمیم‌های گوناگون شرکت‌ها ایفا کند. بسیاری از نظریه‌های موجود، به عنوان نمونه تئوری نمایندگی و تئوری سهامداران، از این ایده حمایت می‌کنند که ساختار حاکمیتی هیأت مدیره شرکت‌ها عاملی است که می‌تواند عملکرد شرکت‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. به بیان دقیق‌تر، عملکرد هر شرکتی می‌تواند از هیأت مدیره همان شرکت تأثیر بپذیرد؛ چرا که هیأت مدیره معمولاً در تمام تصمیمات کلیدی شرکت‌ها دخالت دارد.

امروزه در شرکت‌ها تمامی تصمیم‌های کلیدی با تأیید و نظارت هیأت مدیره شرکت انجام می‌شود. به گونه‌ای که مدیران اجرایی شرکت‌ها با مطرح نمودن طرح‌های اصلی و سیاست‌های کلی شرکت در جلسات هیأت مدیره، تأییدیه اجرایی کردن آن را از هیأت مدیره شرکت دریافت می‌کنند. بنابراین، یکی از کلیدی‌ترین مسائل در فعالیت شرکت‌ها، اهمیت و نقش هیأت مدیره است. در نتیجه، می‌توان این طور بیان کرد که ویژگی‌های هیأت مدیره می‌تواند تأثیر بسزایی در سایر موارد مرتبط با امور شرکت باشد.

اندازه هیأت مدیره به عنوان عنصری با اهمیت در ویژگی‌های هیأت مدیره مطرح است. در قانون تجارت ایران نیز به این مطلب اشاره شده است. تعداد بهینه اعضای هیأت مدیره باید به شکلی تعیین شود تا نسبت به این موضوع که اعضای کافی برای پاسخگویی به وظایف هیأت مدیره و انجام وظایف مختلف هیأت مدیره وجود دارد، اطمینان خاطر حاصل شود.

استقلال هیأت مدیره یکی دیگر از ویژگی‌های هیأت مدیره است. بر اساس سیستم حاکمیت شرکتی مناسب، وظیفه و نقش اساسی اعضای هیأت مدیره این است که بر اعمال مدیریت شرکت نظارت داشته و به سهامداران شرکت این تضمین را بدهند که مدیریت در جهت منافع آنان عمل

می‌کند. در صورتی که اعضای هیأت مدیره، مدیران اجرایی باشند، آنان کمتر به وظیفه و نقش اصلی‌شان در شرکت به عنوان عضو هیأت مدیره، یعنی نظارت بر مدیران اجرایی و کنترل آن‌ها، می‌پردازند و این نقش اساسی آن‌ها در شرکت کم رنگ می‌شود (یوان و همکاران، ۲۰۱۲).

یکی دیگر از ویژگی‌های با اهمیت هیأت مدیره دوگانگی وظیفه مدیرعامل است. این دوگانگی وظیفه به این معنا است که یک شخص دو وظیفه در سازمان به عهده دارد: اول وظیفه مدیرعاملی شرکت و دوم وظیفه رئیس هیأت مدیره و یا نایب رئیس شرکت. در صورتی که برخی از اعضای هیأت مدیره، به ویژه رئیس هیأت مدیره، خود در پست‌های مدیریت اجرایی شرکت همچون مدیرعامل ایفای وظیفه کنند، استقلال و قدرت نظارت آنان بر مدیران اجرایی کاهش می‌یابد. بنابراین، جدایی سمت مدیرعامل از ریاست هیأت مدیره یکی از لازمه‌های سیستم کارآمد حاکمیت شرکتی است و موجب می‌شود که هیأت مدیره بتواند به طور مستقل و به خوبی عملکرد مدیران را ارزیابی و نقد کند و در نتیجه زمینه را برای بهبود سازوکارهای کنترلی و نظارتی در شرکت فراهم آورد.

رابطه مالکیت خانوادگی، اجتناب مالیاتی و نقش هیأت مدیره. موضوع اجتناب مالیاتی در مورد شرکت‌های که مالکیت از مدیریت تفکیک شده است بیشتر مطرح است؛ چرا که افراد حقیقی به خاطر وجود احتمال کشف و جریمه شدن و ریسک گریزی و یا انگیزه‌های درونی مثل وظیفه اجتماعی، کمتر درگیر فرار و اجتناب مالیاتی می‌شوند. اما در شرکت‌ها به طور معمول، سهامداران انتظار دارند که مدیران به دنبال منافع شخصی خود باشند و تا زمانی که منافع اضافی حاصل از کاهش بدهی‌های احتمالی بیشتر از هزینه‌های اضافی مورد انتظار برای آن‌ها باشد، به دنبال کاهش بدهی‌های مالیاتی و اجتناب مالیاتی باشند. بنابراین، اجتناب مالیاتی می‌تواند انعکاسی از نظریه نمایندگی باشد و ممکن است منجر به تصمیم‌های مالیاتی شود که منافع شخصی مدیر را دنبال کند. در نتیجه، یکی از چالش‌های پیش‌روی سهامداران و هیأت مدیره، یافتن روش‌ها و انگیزه‌های کنترلی است تا هزینه‌های نمایندگی را به حداقل برسانند (جنسن و مک‌لینینگ، ۱۹۷۶). دسای و همکاران (۲۰۰۷) نیز معتقدند مدیرانی که به دنبال منافع شخصی خود هستند ساختار شرکت را پیچیده‌تر کرده و معاملاتی را که باعث کاهش مالیات می‌شود، انجام می‌دهند و از این طریق منابع شرکت را در جهت منافع شخصی خود به کار می‌گیرند. آن‌ها معتقدند که وجود مأموران مالیاتی قوی باعث افزایش نظارت بر کار مدیران و کاهش سوء استفاده از منابع داخلی شرکت‌ها می‌شود. از دیدگاه فاما و جنسن (۱۹۸۳) و جنسن و مک‌لینینگ (۱۹۷۶) شرکت‌های خانوادگی اغلب مشکلات نمایندگی کمتر و در نتیجه هزینه‌های نمایندگی پایینی دارند.

نکته دیگری که به وسیلهٔ دسای و همکاران مطرح شد این است که نحوه حاکمیت و رهبری شرکت‌ها بر روی سطح اجتناب مالیاتی شرکت‌ها تأثیرگذار است. حاکمیت شرکتی ضعیف باعث افزایش در سطح اجتناب مالیاتی می‌شود. گراهام (۲۰۰۶) معتقد است که اجتناب مالیاتی، منافع نهایی سپر مالیاتی بهره را کاهش می‌دهد و ممکن است بر روی تصمیم‌های مربوط به ساختار سرمایه تأثیرگذار باشد. از سوی دیگر، اگر اجتناب مالیاتی توسط مقامات مالیاتی تشخیص داده شود، در این صورت، شرکت مجبور به پرداخت‌های اضافی و جریمه می‌شود که باعث کاهش جریان‌های نقدی ورودی و کاهش ثروت سهامداران می‌شود. دیدگاه قابل طرح در مورد اجتناب مالیاتی این است که علی‌رغم تفکیک کنترل از مالکیت، پدیده اجتناب مالیاتی می‌تواند ارزشمند باشد و اگر مالکان بتوانند زمینه‌های انگیزشی لازم را در مدیران ایجاد کنند تا آن‌ها با برنامه‌ریزی های مالیاتی صحیح، تصمیم‌های اثربخش مالیاتی اتخاذ کنند، ارزش شرکت و در نتیجه ثروت سهامداران افزایش خواهد یافت (هانلن و همکاران، ۲۰۱۰).

همانگونه که پیش‌تر آمد، به طور کلی شرکت‌ها را می‌توان به دو دسته خانوادگی و غیرخانوادگی طبقه‌بندی کرد. با توجه به تعریف اندرسون و ریپ (۲۰۰۳) شرکت‌های خانوادگی شامل شرکت‌هایی است که میزان زیادی از سهام آن‌ها در اختیار اعضای خانوادگی است و این افراد به طور فعال در مدیریت شرکت مشارکت دارند. در نتیجه انتظار می‌رود که ساختار مالکیت شرکت از دیدگاه خانوادگی یا غیرخانوادگی بر تصمیم‌های گزارشگری مالیاتی (اجتناب مالیاتی) تأثیرگذار باشد. علاوه بر مالکان خانوادگی، هیأت مدیره شرکت‌ها در تصمیم‌گیری‌های شرکت دخالت دارند و به نوعی استراتژی کلی شرکت را تعیین می‌کنند. بنابراین، ویژگی‌های هیأت مدیره نیز می‌تواند در این بین عاملی مؤثر باشد.

۴. پیشینه پژوهش

پیشینه داخلی

در ایران تاکنون پژوهشی که به بررسی میزان اجتناب مالیاتی در شرکت‌های خانوادگی پرداخته باشد، مشاهده نشد. لذا، در این بخش سعی شده است تا پژوهش‌هایی که در زمینه اجتناب مالیاتی و یا شرکت‌های خانوادگی است و به نوعی به پژوهش حاضر ارتباط پیدا می‌کند، ارائه شود. پورحیدری و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهش خود به بررسی رابطهٔ بین اجتناب مالیاتی و شفافیت گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که اجتناب مالیاتی، شفافیت گزارشگری مالی شرکت را کاهش می‌دهد.

خدمای پور و امینی‌نیا (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی رابطه بین اجتناب مالیاتی و هزینه بدهی و نقش مالکیت نهادی بر این رابطه پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که بین اجتناب مالیاتی و هزینه بدهی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. افزون بر این، نتایج پژوهش خدمای پور و امینی‌نیا نشان داد که سطح مالکیت نهادی تأثیری بر رابطه بین اجتناب مالیاتی و هزینه بدهی ندارد. واعظ و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی حق الزحمه حسابرسی و اندازه مؤسسه حسابرسی در شرکت‌های خانوادگی پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که بین حق الزحمه حسابرسی در شرکت‌های خانوادگی و غیرخانوادگی تفاوت معناداری وجود ندارد. همچنین، نتایج پژوهش آنان نشان داد که بین درصد مالکیت خانوادگی و حق الزحمه حسابرسی رابطه معناداری وجود ندارد. موسوی شیرینی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی رابطه بین مالکیت خانوادگی و غیرخانوادگی با هزینه‌های نمایندگی پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که بین نسبت هزینه‌های عملیاتی به فروش و نسبت گردش دارایی‌ها با مالکیت خانوادگی رابطه معناداری وجود دارد. حمیدیان (۱۳۹۶) ضمن بررسی رابطه بین ابعاد راهبری شرکتی و اجتناب مالیاتی در طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ نشان داد که بین نسبت اعضای غیر موظف هیأت مدیره با اجتناب مالیاتی آن‌ها رابطه معنی‌داری وجود ندارد و نیز بین میزان مالکیت و نفوذ دولت در شرکت و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها رابطه معنی‌داری وجود ندارد. همچنین بین نوسان‌پذیری بازده، ریسک تجاری بالا، پاداش هیأت مدیره، سهام تحت تملک اعضای هیأت مدیره و درصد سهام شناور آزاد با اجتناب مالیاتی رابطه مثبت و معنی‌دار و بین ریسک تجاری پایین، تفکیک مدیر عامل از اعضا و مالکیت سهامداران نهادی با اجتناب مالیاتی، رابطه منفی و معنادار وجود دارد.

پیشینه خارجی

چن و همکاران (۲۰۱۰) دریافتند که مالکیت خانوادگی می‌تواند خط‌مشی مالیاتی شرکت را تحت تأثیر قرار دهد. آن‌ها با استفاده از معیار چندگانه جهت سنجش خط‌مشی مالیاتی شرکت، به این نتیجه رسیدند که شرکت‌های با مالکیت خانوادگی، کمتر از شرکت‌هایی که دارای مالکیت خانوادگی نیستند، سیاست متهورانه پیرامون مالیات اتخاذ می‌کنند. این نتایج نشان می‌داد که مالکان خانوادگی تمایل دارند جهت جلوگیری از کاهش ارزش سهام شرکت که از نگرانی سهامداران اقلیت پیرامون ریسک ناشی از فعالیت‌های مالیاتی نشأت می‌گیرد، از مدیریت مالیات اجتناب نمایند. اندرو و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان «حاکمیت شرکتی و سقوط‌های قیمت سهام خاص شرکت» به بررسی این موضوع پرداختند که آیا سیستم‌های حاکمیت شرکتی می‌تواند تمایل

طبیعی شرکت‌ها را برای تجربه سقوط‌های قیمت سهام خاص شرکت پیش‌بینی کند؟ نتایج بررسی داده‌های مربوط به ۶۶۲۰ سال - شرکت طی دوره زمانی ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۹ با استفاده از روش رگرسیون خطی چند متغیره و مدل داده‌های ترکیبی، حاکی از آن است که ساختار مالکیت، عدم شفافیت حسابداری و هیأت‌مدیره و فرآیندها بر سقوط قیمت سهام تأثیر می‌گذارند. با وجود این آن‌ها به این نتیجه رسیدند که با افزایش اندازه‌های حاکمیتی، این روابط به طور نامتقارن افزایش پیدا می‌کند، و این روابط برای شرکت‌هایی که مشکلات نمایندگی بزرگ‌تری دارند، قوی‌تر است. ریچاردسون و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی به بررسی تأثیر ویژگی‌های هیأت‌مدیره بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که اثر متقابل بین ترکیب هیأت‌مدیره و استقرار یک سیستم مدیریت ریسک و کنترل‌های داخلی مؤثر، اجتناب مالیاتی را کاهش می‌دهد. تسائو و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی به بررسی نقش تعدیل‌کنندگی مالکیت خانوادگی بر رابطه بین سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه و پاداش مدیرعامل پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که حساسیت پاداش مدیرعامل به سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه در شرکت‌های خانوادگی از شرکت‌های غیرخانوادگی بیشتر است.

چوی و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهش خود به بررسی رابطه بین مالکیت خانوادگی و سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که بین مالکیت خانوادگی و سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه رابطه منفی و معناداری وجود دارد، اما هنگامی که فرصت‌های رشد وجود دارد، این رابطه به طور مثبت تعدیل می‌شود.

بالاکریشانان و همکاران (۲۰۱۸) ضمن بررسی برنامه‌های اجتناب مالیاتی و شفافیت اطلاعاتی شرکت‌ها نشان دادند که رابطه‌ای معنی‌دار میان برنامه‌ریزی متهورانانه مالیاتی و شفافیت کمتر اطلاعاتی وجود دارد. همچنین نتایج کار آن‌ها نشان داد که نوعی تهاتر میان مزایای مالیاتی و شفافیت مالی در هنگام انتخاب نوع برنامه‌ریزی مالیاتی وجود دارد.

۵. روش پژوهش

این پژوهش از نوع پژوهش‌های شبه‌تجربی در حوزه مطالعات اثباتی حسابداری می‌باشد و از حیث هدف، از نوع پژوهش‌های کاربردی است. روش پژوهش حاضر از نوع استقرایی و پس‌رویدادی می‌باشد. همچنین، می‌توان این پژوهش را از نوع پژوهش‌های کمی دانست که از روش علمی ساخت و اثبات تجربی استفاده می‌کند و بر اساس فرضیه‌ها و طرح‌های پژوهش از قبل تعیین شده انجام می‌شود. از این دسته پژوهش‌ها زمانی استفاده می‌شود که معیار اندازه‌گیری داده‌ها کمی است و برای استخراج نتیجه‌ها از فن‌های آماری استفاده می‌شود.

در این پژوهش برای جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات، از روش کتابخانه‌ای استفاده می‌شود. برای نگارش و جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز بخش مبانی نظری به گونه عمده از مجلات تخصصی داخلی و خارجی، و برای گردآوری سایر داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز عمدتاً از طریق بانک‌های اطلاعاتی سازمان بورس اوراق بهادار تهران و ره آورد نوین گردآوری شده است. برای تجزیه و تحلیل آماری داده‌ها و آزمون فرضیه‌های پژوهش حاضر از آمار توصیفی (شامل ضریب همبستگی پیرسون، میانگین، انحراف معیار و ...) و آمار استنباطی (شامل رگرسیون خطی چندمتغیره و تحلیل واریانس) استفاده شده است. در این پژوهش در خصوص تجزیه و تحلیل داده‌ها، ابتدا با استفاده از نرم‌افزار Excel ویرایش ۲۰۰۷ متغیرهای پژوهش از روی داده‌های خام آماده و سپس با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۱۹ و Eviews نسخه ۷ تجزیه و تحلیل انجام شده است.

۶. فرضیه‌های پژوهش

در این قسمت در خصوص دستیابی به اهداف پژوهش و بر اساس مبانی نظری و پیشینه پژوهش مطرح شده در فصل قبل، فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر طراحی و تدوین شده است:

فرضیه اول: تفاوت معنی‌داری بین اجتناب مالیاتی شرکت‌های خانوادگی و سایر شرکت‌ها وجود دارد.

فرضیه دوم: رابطه معنی‌داری میان درصد مالکیت سهام مدیرعامل و اجتناب مالیاتی در شرکت‌های خانوادگی وجود دارد.

فرضیه سوم: استقلال هیأت مدیره بر رابطه بین درصد مالکیت سهام مدیرعامل و اجتناب مالیاتی در شرکت‌های خانوادگی تاثیر دارد.

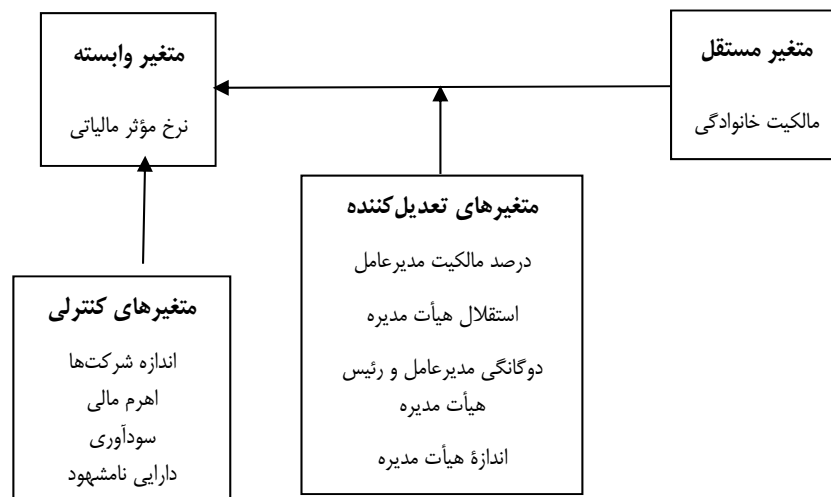
فرضیه چهارم: دوگانگی مدیرعامل و رئیس هیأت مدیره، بر رابطه بین درصد مالکیت سهام مدیرعامل و اجتناب مالیاتی در شرکت‌های خانوادگی تاثیر دارد.

فرضیه پنجم: اندازه هیأت مدیره، بر رابطه بین درصد مالکیت سهام مدیرعامل و اجتناب مالیاتی در شرکت‌های خانوادگی تاثیر دارد.

۷. تعریف و اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش

متغیرهای این پژوهش به منظور آزمون فرضیه‌ها، به چهار گروه متغیرهای مستقل، وابسته، کنترلی و تعدیل‌کننده تقسیم می‌شوند. در شکل ۱ کلیه متغیرهای استفاده شده در پژوهش حاضر، در

خصوص تعیین نقش مالکیت خانوادگی در تعیین میزان اجتناب مالیاتی به‌عنوان یک عامل مؤثر نشان داده شده است.



شکل ۱: چارچوب متغیرهای پژوهش

متغیر مستقل این پژوهش، مالکیت خانوادگی است که در بخش ادبیات نظری به تشریح ماهیت و چگونگی تأثیر آن‌ها بر اجتناب مالیاتی پرداخته شد. معیار مورد استفاده در این پژوهش، مشابه پژوهش‌های نمازی و محمدی (۱۳۸۹) و نمازی و اکبری قورقچی (۱۳۹۱) متغیری مصنوعی است؛ بر اساس این معیار شرکت‌هایی خانوادگی تلقی می‌شوند که دارای یکی از دو شرط پایین باشند:

- سهامدار حقیقی مالک حداقل ۲۰ درصد سهام عادی شرکت باشد؛ یا
- یکی از اعضای هیأت مدیره، خود به تنهایی مالک حداقل ۵ درصد سهام عادی و یا مجموع سهام عضو حقیقی هیأت مدیره و اعضای خانواده و فامیل وی، حداقل ۵ درصد مجموع سهام عادی شرکت باشد.

بنابراین، با توجه به دو شرط بالا، در صورتی که شرکتی دارای یکی از این دو شرط باشد، شرکت خانوادگی تلقی و به آن عدد یک داده خواهد شد و در غیر این صورت ارزش صفر را اختیار خواهد کرد.

متغیر وابسته پژوهش حاضر اجتناب مالیاتی است. برای اندازه‌گیری اجتناب مالیاتی از نرخ مؤثر مالیاتی استفاده خواهد شد. در این پژوهش به پیروی از کیم و لیمپافیوم (۱۹۹۸) نرخ مؤثر مالیاتی از طریق رابطه زیر محاسبه شد:

$$ETR = \frac{TAX\ EXPENSE}{OPERATING\ INCOME} \quad (1)$$

که در این رابطه:

ETR: نرخ مؤثر مالیاتی است؛

TAX EXPENSE: هزینه مالیات ابرازی شرکت است، که در صورت سود و زیان نشان

داده می‌شود؛

OPERATING INCOME: نشان‌دهنده سود عملیاتی شرکت است.

هر چه میزان نرخ مؤثر مالیاتی بیشتر باشد، اجتناب از پرداخت مالیات کمتر بوده و شرکت‌ها مالیات بیشتری پرداخت کرده‌اند. لازم به ذکر است که از این معیار در پژوهش‌های کیم و لیمپافیوم (۱۹۹۸) و خانی و همکاران (۱۳۹۲) نیز استفاده شده است.

به منظور کنترل سایر متغیرهایی که به نحوی در تجزیه و تحلیل مسأله پژوهش مؤثرند، متغیرهای کنترلی لازم با توجه به مرور متون به شرح زیر تعیین شدند (فرانک و همکاران، ۲۰۰۹؛ چن و همکاران، ۲۰۱۰؛ و یائون و همکاران، ۲۰۱۲):

اندازه شرکت‌ها: این متغیر از طریق لگاریتم طبیعی کل فروش شرکت اندازه‌گیری شد.

اهرم مالی: این متغیر از طریق تقسیم کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها اندازه‌گیری شده است.

سودآوری: برای اندازه‌گیری سودآوری از معیار بازده کل دارایی‌ها استفاده شد. بازده کل

دارایی‌ها نیز از طریق سود خالص تقسیم بر کل دارایی‌های اندازه‌گیری می‌شود.

دارایی نامشهود: این متغیر از طریق تقسیم کل دارایی‌های نامشهود بر کل دارایی‌های شرکت اندازه‌گیری گردید.

خالص املاک، ماشین‌آلات و تجهیزات: این متغیر از تقسیم مجموع ارزش دفتری املاک، ماشین‌آلات و تجهیزات بر کل دارایی‌های شرکت اندازه‌گیری می‌شود.

متغیرهای تعدیل‌کننده

درصد مالکیت مدیرعامل: این متغیر برابر با درصد سهام متعلق به مدیرعامل شرکت است؛ افزون بر این، در صورتی که مدیرعامل شرکت به نمایندگی از شرکت دیگری در این سمت باشد، درصد سهام متعلق به آن شرکت خاص به‌عنوان درصد مالکیت مدیرعامل لحاظ خواهد شد (سرلک و کلوانی، ۱۳۹۴).

استقلال هیأت مدیره: این متغیر بیانگر نسبت اعضای غیرموظف به کل اعضای هیأت مدیره است. منظور از مدیران غیرموظف، اعضاء پاره وقت هیأت مدیره است که فاقد مسئولیت اجرایی در شرکت هستند (نیکبخت و همکاران، ۱۳۸۹؛ خدای‌پور و همکاران، ۱۳۹۵).

دوگانگی مدیر عامل و رئیس هیأت مدیره: این متغیر، متغیری دوجوهی است؛ در صورتی که رئیس هیأت مدیره و مدیر عامل شرکت یک شخص باشد، عدد یک و در غیر این صورت، عدد صفر را اختیار می‌کند (نیکبخت و همکاران، ۱۳۸۹).

اندازه هیأت مدیره: عبارت است از تعداد اعضای هیأت مدیره شرکت (نیکبخت و همکاران، ۱۳۸۹؛ خدای پور و همکاران، ۱۳۹۵).

۸. جامعه و نمونه آماری

شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، جامعه آماری پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهند. در این پژوهش از نمونه‌گیری آماری استفاده نمی‌شود؛ اما شرایط زیر برای انتخاب نمونه قرار داده شده است:

۱. سال مالی شرکت منتهی به پایان اسفند ماه هر سال باشد.
 ۲. تغییر سال مالی در شرکت، طی سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۳ رخ نداده باشد.
 ۳. اطلاعات مالی مورد نیاز به منظور استخراج داده‌های مورد نیاز در دسترس باشد.
 ۴. تا پایان سال مالی ۱۳۸۵ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشد.
 ۵. جزء بانک‌ها و مؤسسات مالی (شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی، شرکت‌های هلدینگ و لیزینگ‌ها) نباشد؛ زیرا افشای اطلاعات مالی و ساختارهای راهبردی شرکتی در آن‌ها متفاوت است.
- با توجه به بررسی‌های انجام شده، تعداد ۸۷ شرکت در دوره زمانی ۱۳۸۶ الی ۱۳۹۳ حائز شرایط فوق بوده و مورد بررسی قرار گرفته است.

۹. مدل پژوهش

در این پژوهش پس از اندازه‌گیری متغیرهای مورد استفاده در پژوهش، برای آزمون فرضیه اول از آزمون مقایسه میانگین دو جامعه مستقل (t استیودنت) استفاده می‌شود.

برای آزمون فرضیه‌های دوم تا پنجم پژوهش، به ترتیب، از مدل‌های رگرسیونی شماره ۲ تا ۵ در سطح شرکت‌های خانوادگی استفاده می‌شود.

$$ETR = \alpha_0 + \alpha_1(Ceoown)_{i,t} + \alpha_2(Size)_{i,t} + \alpha_3(Lev)_{i,t} + \alpha_4(ROA)_{i,t} + \alpha_5(Intang)_{i,t} + \alpha_6(PPE)_{i,t} + \varepsilon \quad (2)$$

$$ETR = \alpha_0 + \alpha_1(Ceoown)_{i,t} + \alpha_2(Ext)_{i,t} + \alpha_3(Ceoown \times Ext)_{i,t} + \alpha_4(Size)_{i,t} + \alpha_5(Lev)_{i,t} + \alpha_6(ROA)_{i,t} + \alpha_7(Intang)_{i,t} + \alpha_8(PPE)_{i,t} + \varepsilon \quad (3)$$

$$ETR = \alpha_0 + \alpha_1(Ceoown)_{i,t} + \alpha_2(Ceo_dul)_{i,t} + \alpha_3(Ceoown \times Ceo_dul)_{i,t} + \alpha_4(Size)_{i,t} + \alpha_5(Lev)_{i,t} + \alpha_6(ROA)_{i,t} + \alpha_7(Intang)_{i,t} + \alpha_8(PPE)_{i,t} + \varepsilon \quad (۴)$$

$$ETR = \alpha_0 + \alpha_1(Ceoown)_{i,t} + \alpha_2(Board\ Size)_{i,t} + \alpha_3(Ceoown \times Board\ Size)_{i,t} + \alpha_4(Size)_{i,t} + \alpha_5(Lev)_{i,t} + \alpha_6(ROA)_{i,t} + \alpha_7(Intang)_{i,t} + \alpha_8(PPE)_{i,t} + \varepsilon \quad (۵)$$

در مدل‌های بالا، ETR نشان‌دهنده نرخ مؤثر مالیاتی (اجتناب مالیاتی)، Family نشان‌دهنده مالکیت خانوادگی، Ceoown نشان‌دهنده درصد مالکیت سهام مدیرعامل، Ext نشان‌دهنده استقلال هیأت مدیره، Ceo_dul نشان‌دهنده دوگانگی مدیرعامل و رئیس هیأت مدیره، Board Size نشان‌دهنده اندازه هیأت مدیره، Size نشان‌دهنده اندازه شرکت، Lev نشان‌دهنده اهرم مالی، ROA نشان‌دهنده سودآوری، Intang نشان‌دهنده دارایی‌های نامشهود شرکت و PPE خالص ارزش دفتری دارایی‌های ثابت مشهود است. لازم به ذکر است که کلیه این متغیرها در بخش متغیرهای پژوهش تعریف شده‌اند.

در این پژوهش نیز به منظور آزمون هر یک از فرضیه‌ها، حسب مورد، یکی از روش‌های تخمین شامل مدل داده‌های تلفیقی، اثرات ثابت یا اثرات تصادفی استفاده شده و مدل رگرسیون تخمین زده شده است.

۱۰. یافته‌های پژوهش

جدول ۱، آماره‌های توصیفی محاسبه شده، شامل میانگین، انحراف معیار، بیشینه و کمینه متغیرهای نرخ مؤثر مالیاتی، درصد مالکیت سهام مدیرعامل، استقلال هیأت مدیره، دوگانگی مدیرعامل و رئیس هیأت مدیره، اندازه هیأت مدیره، اندازه شرکت، اهرم مالی، سودآوری، دارایی‌های نامشهود و خالص املاک، ماشین‌آلات و تجهیزات را برای سال‌های مورد مطالعه نشان می‌دهد. طبق

اطلاعات جدول مندرج در مزبور متغیر درصد سهام مدیرعامل دارای بالاترین و متغیر دارایی‌های نامشهود دارای کمترین میزان پراکندگی در بین متغیرهای پژوهش است.

جدول ۱: آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	آماره	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف معیار
نرخ موثر مالیاتی	۰	۰/۳۶۲	۰/۱۲۰	۰/۰۸۶	
مالکیت خانوادگی	۰	۱	۰/۴۰۲	۰/۱۲۶	
درصد مالکیت سهام مدیرعامل	۰	۴۷/۰	۱۱/۱۵	۲۲/۹۲۳	
استقلال هیأت مدیره	۰/۲۰۰	۰/۷۵۳	۰/۴۹۲	۰/۱۴۳	
اندازه هیأت مدیره	۴	۷	۰/۵۰۲	۰/۲۰۱	
اندازه شرکت	۴/۴۷۵	۶/۳۶۶	۵/۳۹۹	۰/۵۰۰	
اهرم مالی	۰/۰۱۹	۰/۳۳۱	۰/۲۰۹	۰/۱۸۲	
سودآوری	-۰/۴۹۰	۰/۶۰۳	۰/۰۱۰	۰/۱۵۰	
دارایی‌های نامشهود شرکت	۰	۰/۰۶۲	۰/۰۳۲	۰/۰۱۲	
خالص ارزش دفتری املاک، ماشین‌آلات و تجهیزات	۰/۰۴۵	۰/۵۰۸	۰/۳۷۴	۰/۲۱۲	

به منظور مقایسه فرضیه اول، از آزمون برابری میانگین اجتناب مالیاتی بین دو گروه مذکور استفاده شده و نتایج آن در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: آزمون فرضیه اول

آماره آزمون لوین	سطح معناداری آماره آزمون لوین	آماره آزمون t	درجه آزادی	سطح معناداری آماره آزمون t
۷/۱۰۴	۰/۰۰۸	-۲/۲۴۶	۷۲۶	۰/۰۲۵
		-۲/۷۸۶	۱۴۲/۹۱۵	۰/۰۰۶
میانگین گروه اول: ۰/۰۷۵۲۲		میانگین گروه دوم: ۰/۰۴۴۷۸		

با توجه به سطح معناداری آزمون لوین (۰/۰۰۸) که کوچک‌تر از ۵ درصد است؛ فرض برابری واریانس دو گروه رد می‌شود. بنابراین اطلاعات سطر دوم برای نتیجه‌گیری در مورد برابری میانگین دو گروه مورد استفاده قرار می‌گیرد. همانطور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، سطح معناداری آزمون برابری میانگین با فرض عدم تساوی واریانس، کمتر از ۵ درصد است. بنابراین H_0 رد و

H1 پذیرفته می‌شود. به عبارتی نتایج آزمون برابری میانگین در سطح خطای ۵ درصد نشان می‌دهد که بین میانگین اجتناب مالیاتی شرکت‌های خانوادگی (گروه اول) و میانگین اجتناب مالیاتی سایر شرکت‌ها (گروه دوم)، تفاوت معناداری وجود دارد.

همانطور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، میانگین اجتناب مالیاتی در گروه اول بیشتر از گروه دوم است. از آنجا که نرخ موثر مالیاتی معیاری معکوس از اجتناب مالیاتی است؛ بنابراین اجتناب مالیاتی (گروه دوم)، بیشتر از میزان اجتناب مالیاتی (گروه اول) است.

جدول ۳ نتایج مرتبط با آزمون فرضیه دوم را نشان می‌دهد. طبق اطلاعات، نتایج آزمون چاو نشان‌دهنده آن است که از بین مدل داده‌های تلفیقی^۱ و تابلویی^۲، برای فرضیه دوم باید از مدل داده‌های تابلویی استفاده کرد. افزون بر این، نتایج آزمون هاسمن نیز حاکی از تأیید مدل اثرات ثابت برای فرضیه دوم است.

جدول ۳: خلاصه نتایج آزمون فرضیه دوم

متغیر وابسته: نرخ موثر مالیات				
متغیرها	ضرائب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری
Ceoown	۰/۰۳۷	۰/۰۱۲	۳/۰۸۳	۰/۰۰۰۵
Size	۰/۰۴۵	۰/۰۱۰	۴/۴۶۶	۰/۰۰۰۰۵
Lev	-۰/۰۰۴	۰/۰۰۱	-۲/۰۴۲	۰/۰۴۱
ROA	۰/۰۰۸	۰/۰۰۳	۲/۶۶۷	۰/۰۳۹
Intang	-۰/۰۰۷	۰/۰۰۲	-۳/۵۰۰	۰/۰۰۰۵
PPE	-۴/۱۵۲	۱/۰۰۵	-۴/۱۳۱	۰/۰۰۰۵
مقدار ثابت	۰/۱۳۳	۰/۰۲۶	۵/۰۴۷	۰/۰۰۰۰۵*
R ²	R ² _{adj}	آماره دوربین واتسن	آماره F	سطح معناداری
۰/۰۲۳	۰/۰۲۲	۱/۹۷۷	۱۳/۷۰۷	۰/۰۰۰۰۱*
آزمون چاو		۳/۶۵۰	سطح معناداری	۰/۰۰۰۰۳
آزمون هاسمن		۲۷/۰۱۸	سطح معناداری	۰/۰۰۰۰۵

جدول ۳ ضرایب مربوط به مدل رگرسیونی حاصل از آزمون فرضیه دوم و سطح معناداری مربوط را نیز نشان می‌دهد. طبق این جدول، سطح معناداری مربوط به متغیر درصد سهام متعلق به مدیرعامل در شرکت‌های خانوادگی نشان‌دهنده آن است که بین این متغیر و نرخ موثر مالیاتی در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه مثبت معناداری وجود دارد. نتایج مرتبط با متغیرهای کنترلی نیز

1. Panel Data
2. Pool Data

نشان می‌دهد که بین اندازه و سودآوری شرکت با نرخ موثر مالیاتی در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه مثبت معناداری وجود دارد، اما رابطه بین اهرم مالی، دارایی‌های نامشهود و خالص ارزش دفتری دارایی‌های ثابت با نرخ موثر مالیات در سطح اطمینان ۹۵ درصد، منفی و معنادار است. جدول ۴ ضرایب مربوط به مدل رگرسیونی حاصل از آزمون فرضیه سوم و سطح معناداری مربوط را نیز نشان می‌دهد. طبق این جدول، سطح معناداری مربوط به متغیر درصد سهام متعلق به مدیرعامل در شرکت‌های خانوادگی نشان‌دهنده آن است که بین این متغیر و نرخ موثر مالیات در سطح اطمینان ۹۵ درصد، رابطه مثبت معناداری وجود دارد. همچنین استقلال هیأت مدیره در شرکت‌های خانوادگی باعث تعدیل و کاهش رابطه بین درصد سهام مدیرعامل و نرخ موثر مالیات می‌شود. نتایج مرتبط با متغیرهای کنترلی نیز نشان می‌دهد که بین اندازه و سودآوری شرکت با نرخ موثر مالیاتی در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه مثبت معناداری وجود دارد، اما رابطه بین اهرم مالی و دارایی‌های نامشهود با نرخ موثر مالیات در سطح اطمینان ۹۵ درصد، منفی و معنادار است.

جدول ۴: خلاصه نتایج آزمون فرضیه سوم

متغیر وابسته: نرخ موثر مالیات				
متغیرها	ضرائب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری
Ceown	۱/۲۱۶	-۰/۰۸۹	۱۳/۶۶۲	۰/۰۰۰۰۵
Ext	۰/۲۳۲	-۰/۱۱۵	۲/۰۱۶	۰/۰۴۴
Ceown*Ext	-۰/۰۱۲	-۰/۰۰۵	-۲/۴۰۰	۰/۰۳۹
Size	۰/۲۰۸	-۰/۰۱۷	۱۲/۲۳۵	۰/۰۰۰۰۵
Lev	-۰/۲۳۲	-۰/۰۱۷	-۱۳/۶۴۷	۰/۰۰۰۰۵
ROA	۰/۰۰۷	-۰/۰۰۳	۲/۳۳۴	۰/۰۴۰
Intang	-۰/۰۱۸	-۰/۰۰۲	-۹/۰۰۱	۰/۰۰۰۰۵
PPE	-۰/۰۱۰	-۰/۰۴۹	-۰/۲۰۴	۰/۸۲۶
مقدار ثابت	۰/۱۰۱	-۰/۰۷۷	۱/۳۱۱	۰/۱۸۶
R ²	R ² _{adj}	آماره دوربین وائسن	آماره F	سطح معناداری
۰/۰۲۵	۰/۰۲۲	۲/۲۰۶	۹/۰۱۰	۰/۰۰۰۰۵

جدول ۵ ضرایب مربوط به مدل رگرسیونی حاصل از آزمون فرضیه چهارم و سطح معناداری مربوط را نیز نشان می‌دهد. طبق اطلاعات این جدول، سطح معناداری مربوط به متغیر درصد سهام متعلق به مدیرعامل در شرکت‌های خانوادگی نشان‌دهنده آن است که بین این متغیر و نرخ موثر مالیات در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه مثبت معناداری وجود دارد. همچنین دوگانگی

نقش مدیرعامل و هیأت مدیره در شرکت‌های خانوادگی باعث تعدیل و افزایش رابطه بین در صد سهام مدیرعامل و نرخ موثر مالیات می‌شود.

جدول ۵: خلاصه نتایج آزمون فرضیه چهارم

متغیر وابسته: نرخ موثر مالیات				
متغیرها	ضرائب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری
Ceoown	۰/۱۷۱	۰/۰۳۸	۴/۴۵۸	۰/۰۰۰۰۵
Ceo_dul	۰/۰۸۹	۰/۰۰۷	۱۱/۷۹۰	۰/۰۰۰۰۵
Ceoown*Ceo-dul	۰/۰۰۲	۰/۰۰۰۳	۶/۶۶۷	۰/۰۰۰۰۵
Size	۰/۰۰۴	۰/۰۱۰	۰/۴۱۲	۰/۶۸۸
Lev	-۰/۴۶۴	۰/۱۵۰	-۳/۰۹۴	۰/۰۰۲
ROA	۰/۰۸۹	۰/۰۳۳	۲/۶۷۱	۰/۰۰۷
Intang	-۰/۱۴۴	۰/۰۵۹	-۲/۴۴۶	۰/۰۱۴
PPE	-۰/۲۰۸	۰/۰۵۷	-۳/۶۰۰	۰/۰۰۰۰۳
مقدار ثابت	-۱/۳۱۳	۰/۱۰۱	-۱۲/۹۹۴	۰/۰۰۰۰۵
R ²	R ² _{adj}	آماره دوربین واتسن	آماره F	سطح معناداری
۰/۰۸۸	۰/۰۸۶	۱/۷۶۱	۳۷/۳۵۷	۰/۰۰۰۰۵
آزمون چو		۱/۳۰۱	سطح معناداری	۰/۲۳۰

نتایج مرتبط با متغیرهای کنترلی نیز نشان می‌دهد که بین سودآوری شرکت با نرخ موثر مالیاتی در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه مثبت معناداری وجود دارد، اما رابطه بین اهرم مالی، دارایی‌های نامشهود و خالص ارزش دفتری دارایی‌های ثابت با نرخ موثر مالیاتی در سطح اطمینان ۹۵ درصد، منفی و معنادار است.

جدول ۶ ضرایب مربوط به مدل رگرسیونی حاصل از آزمون فرضیه پنجم و سطح معناداری مربوط را نیز نشان می‌دهد. طبق اطلاعات این جدول، سطح معناداری مربوط به متغیر درصد سهام مدیرعامل در شرکت‌های خانوادگی نشان‌دهنده آن است که بین این متغیر و نرخ موثر مالیات در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه مثبت معناداری وجود دارد. همچنین اندازه هیأت مدیره در شرکت‌های خانوادگی باعث تعدیل و کاهش رابطه بین درصد سهام مدیرعامل و اختلاف دفتری مالیات می‌شود. نتایج مرتبط با متغیرهای کنترلی نیز نشان می‌دهد که بین اندازه و سودآوری شرکت با نرخ موثر مالیاتی در سطح اطمینان ۹۵ درصد، رابطه مثبت معناداری وجود دارد، اما رابطه بین اهرم

مالی، دارایی‌های نامشهود و خالص ارزش دفتری دارایی‌های با نرخ موثر مالیاتی در سطح اطمینان ۹۵ درصد، منفی و معنادار است.

جدول ۶: خلاصه نتایج آزمون فرضیه پنجم

متغیر وابسته: نرخ موثر مالیات				
متغیرها	ضرائب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری
Ceown	۱/۲۰۳	۰/۰۸۹	۱۳/۵۱۶	۰/۰۰۰۵
Board Size	۰/۰۲۴	۰/۰۰۷	۳/۴۲۸	۰/۰۰۰۵
Ceown*Board Size	-۰/۰۳۳	۰/۰۱۲	-۲/۷۵۱	۰/۰۳۳
Size	۰/۲۰۷	۰/۰۱۷	۱۲/۱۷۶	۰/۰۰۰۵
Lev	-۰/۲۴۰	۰/۰۱۶	-۱۵/۱۰۱	۰/۰۰۰۵
ROA	۱/۰۲۸	۰/۰۶۳	۱۶/۳۱۷	۰/۰۰۰۵
Intang	-۰/۰۶۴	۰/۰۲۶	-۲/۴۶۱	۰/۰۳۷
PPE	-۰/۰۹۹	۰/۰۴۷	-۲/۱۰۶	۰/۰۴۶
مقدار ثابت	-۰/۰۶۶	۰/۰۰۵	-۱۳/۲۰۱	۰/۰۰۰۵
R ²	R ² _{adj}	آماره دوربین واتسن	آماره F	سطح معناداری
۰/۰۴۳	۰/۰۴۰	۱/۹۷۱	۱۴/۱۹۰	۰/۰۰۰۵
آزمون چاو		۱/۰۱۲	سطح معناداری	۰/۴۲۰

۱۰. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

به طور کلی خلاصه نتایج آماری حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش حاکی از آن است که میزان اجتناب مالیاتی در شرکت‌های خانوادگی و سایر شرکت‌ها تفاوت معناداری دارد. علاوه بر این میزان اجتناب مالیاتی در سایر شرکت‌ها بیشتر از شرکت‌های خانوادگی است، به این دلیل که بحث اجتناب مالیاتی بیشتر در مورد شرکت‌های با جدایی مالکیت از مدیریت مطرح است؛ چرا که افراد حقیقی به خاطر وجود احتمال کشف و جریمه شدن و ریسک گریزی و یا انگیزه‌های درونی مثل وظیفه اجتماعی، کمتر درگیر فرار و اجتناب مالیاتی می‌شوند.

اما در شرکت‌ها به طور معمول، سهامداران انتظار دارند که مدیران به دنبال منافع شخصی خود باشند و تا مادامی که منافع اضافی حاصل از کاهش بدهی‌های احتمالی بیشتر از هزینه‌های اضافی مورد انتظار برای آن‌ها باشد، به دنبال کاهش بدهی‌های مالیاتی و اجتناب مالیاتی باشند. بنابراین، اجتناب مالیاتی می‌تواند انعکاسی از نظریه نمایندگی باشد و ممکن است منجر به تصمیم‌های مالیاتی شود که منافع شخصی مدیر را دنبال کند. در نتیجه، یکی از چالش‌های

پیش‌روی سهامداران و هیأت مدیره، یافتن روش‌ها و انگیزه‌های کنترلی است تا هزینه‌های نمایندگی را به حداقل برسانند (جنسن و مک‌لینینگ، ۱۹۷۶).

همچنین بین در صد سهام متعلق به مدیرعامل در شرکت‌های خانوادگی و نرخ موثر مالیاتی رابطه مثبت معناداری وجود دارد و متغیرهای نقش نظارتی هیأت مدیره باعث تعدیل این رابطه می‌شود. از این رو در شرکت‌های خانوادگی، استقلال هیأت مدیره و اندازه هیأت مدیره باعث تشدید و دوگانگی نقش مدیرعامل و رئیس هیأت مدیره باعث تضعیف رابطه بین در صد سهام متعلق به مدیرعامل و نرخ موثر مالیاتی می‌شود.

به بیان دقیق‌تر، وجود ساختار مالکیت خانوادگی در شرکت‌ها باعث کاهش میزان اجتناب از پرداخت مالیات به وسیله آن‌ها می‌شود. همان‌گونه که در بخش مبانی نظری پژوهش آمد، این موضوع از آنجا ناشی می‌شود که شرکت‌های خانوادگی ممکن است دچار درگیری‌هایی در بین اعضای خانواده در سراسر سازمان شوند که این موضوع بر ماهیت و گستره تعارض‌های نمایندگی در شرکت‌های خانوادگی تأثیر می‌گذارد؛ در نتیجه انتظار می‌رود این عامل رفتار پرخاش‌گرانه مالیات به وسیله مدیریت (اجتناب مالیاتی) را تحت تأثیر قرار دهد.

وجود رابطه معکوس بین مالکیت خانوادگی و اجتناب مالیاتی به صورت زیر قابل تبیین است:

۱. کارکردهای اعضای هیأت‌مدیره و نقش نظارتی ممیزان مالیاتی تعارض وجود دارد. به نحوی که مدیران به اتکاء مالکان به‌ویژه اکثریت، تمایل به فرصت‌طلبی در ایفای تعهدات مالیاتی خود دارند و یا احياناً تمایل کمتری دارند. به این سبب در شرکت‌هایی که اکثریت با تأکید بر تمرکز بالا وجود داشته باشد، فرصت‌طلبی مدیران در تأخیر در پرداخت مالیات و یا کاهش مبلغ مالیات کاهش می‌یابد. لذا، رابطه معکوسی بین مالکیت خانوادگی و اجتناب مالیاتی برقرار می‌شود.
۲. به‌منظور کاهش هزینه‌های نمایندگی مالکان، برای افزایش کارایی و ظایف هیأت‌مدیره، پاداشی متناسب با سود خالص در نظر می‌گیرند. به این ترتیب، افزایش سود در جهت کسب مطلوبیت بیشتر برای هیأت‌مدیره است. این سیاست هیأت‌مدیره خود موجب کاهش اجتناب مالیاتی شرکت‌ها نیز می‌شود. بنابراین، رابطه معکوس بین مالکیت خانوادگی و اجتناب مالیاتی، بیانگر کاهش تعارض نماینده و مالک و از طرف دیگر استنباط به‌کارگیری نظریه پاداش در توضیح رفتار مالیاتی اعضای هیأت‌مدیره است.
۳. شرکت‌ها بسیار بزرگ شده‌اند و تأثیر آن‌ها بر جامعه آن‌چنان عمیق است که باید افزون بر سهامداران، به بخش‌های بسیار بیشتر جامعه توجه کنند و در قبال آن‌ها پاسخ‌گو باشند و منافع حاصل از پرداخت مالیات برای عموم جامعه است.

لذا، با توجه به موارد بالا می‌توان انتظار داشت که طبق این نظریه، گزارش‌های مالی شرکت‌ها منصفانه ارائه شود و به دنبال آن، اجتناب مالیاتی در آن شرکت‌ها با ساختار مالکیت رابطه منفی و معنادار خواهد داشت.

همچنین، در خصوص مقایسه نتایج این فرضیه با نتایج سایر پژوهش‌های انجام شده در خارج از کشور، می‌توان بیان کرد که نتایج این فرضیه با نتایج پژوهش چن و همکاران (۲۰۱۰) و استیجورس و نیسکانن (۲۰۱۴) مطابقت دارد.

پیشنهاد‌های کاربردی پژوهش. با توجه به این که شرکت‌های خانوادگی به میزان کمتری در فعالیت‌های اجتناب مالیاتی (نرخ مؤثر مالیاتی) مشارکت می‌کنند، به مسئولان امور مالیاتی کشور پیشنهاد می‌شود که در بررسی‌های مالیاتی خود وجود ساختار مالکیت خانوادگی را به عنوان یک عامل مؤثر در نظر بگیرند.

۱. با توجه به این که بین نرخ مؤثر مالیات و مالکیت خانوادگی رابطه معناداری مشاهده شد، به قانون‌گذاران پیشنهاد می‌شود که در خصوص این مهم، قوانینی وضع کنند.

پیشنهاد‌هایی برای پژوهش‌های آینده طی انجام هر پژوهش، ابعاد گسترده‌تر و تازه‌تری از موضوع نمایان می‌شود که می‌تواند نقطه آغازی برای پژوهش‌های بعدی باشد. بنابراین، با توجه به نتایج حاصل از پژوهش و محدودیت‌های آن، پیشنهاد‌های زیر برای پژوهش‌های بعدی ارائه می‌شود:

۱. به پژوهشگران آینده پیشنهاد می‌شود که برای اندازه‌گیری اجتناب از پرداخت مالیات در خصوص بررسی رابطه بین اجتناب از پرداخت مالیات در شرکت‌های خانوادگی از معیارها و مدل‌های دیگری استفاده کنند.

۲. با توجه به اینکه بانک‌ها و مؤسسات مالی (شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی و لیزینگ‌ها) از نمونه این پژوهش حذف شد، پیشنهاد می‌شود پژوهشگران در آینده رابطه بین اجتناب از پرداخت مالیات و مالکیت خانوادگی را در این گروه از شرکت‌ها مورد بررسی قرار دهند.

۳. هرچند نتایج این مطالعه معنی داری رابطه میان متغیرهای مستقل، تعدیلی و واسطه را نشان داده است اما این ارتباط قابل توجه نیست بنابراین پیشنهاد می‌شود در مطالعات آتی ارتباط میان سایر متغیرهای احتمالی اثرگذار از جمله پاداش مدیریت، ثبات مدیریت، کیفیت حسابداری، حسابداری داخلی و مواردی نظیر آن، در این روابط در نظر گرفته شود.

منابع

- پورحیدری، ا.، فدوی، م. و امینی‌نیا، م. (۱۳۹۳). "بررسی تأثیر اجتناب از پرداخت مالیات بر شفافیت گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران". *پژوهشنامه اقتصادی*، ۱۴ (۵۲)، ۸۵-۶۹.
- حسینی، م. و شفیع‌ی، س. (۱۳۸۹). "تخمین نرخ مؤثر مالیاتی در پایه‌های مشاغل و اشخاص حقوقی". *پژوهشنامه مالیات*، ۱۶ (۸)، ۱۵۱-۱۲۶.
- حمیدیان، م. (۱۳۹۶). "بررسی ابعاد مختلف راهبری شرکتی با اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران". *دانش سرمایه‌گذاری*، ۳ (۳۳)، ۲۴۴-۲۲۹.
- خانی، ع.، ایمانی، ک. و ملایی، م. (۱۳۹۲). "بررسی رابطه بین تخصص حسابرس در صنعت و اجتناب مالیاتی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران". *دانش حسابداری*، ۱۰ (۱۳)، ۷۸-۶۱.
- خانی، ع.، ایمانی، ک. و یوسفی، الف. (۱۳۹۳). "اجتناب از مالیات، نحوه اندازه‌گیری و عوامل مؤثر بر آن". *پژوهش حسابداری*، ۱۵ (۱۵)، ۱۴۲-۱۲۱.
- خدمی‌پور، الف. و امینی‌نیا، م. (۱۳۹۳). "بررسی ارتباط بین اجتناب از پرداخت مالیات و هزینه بدهی و تأثیر مالکیت نهادی بر این رابطه". *پژوهشنامه مالیات*، ۱۹ (۶۷)، ۱۵۶-۱۳۵.
- سرلک، ن. و کلوانی، د. (۱۳۹۴). "رابطه بین انواع مالکیت و محافظه‌کاری در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران". *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۴ (۳)، ۱۶۴-۱۴۹.
- موسوی‌شیری، م.، صالحی، م. و شرف‌دوست، ف. (۱۳۹۵). "مالکیت خانوادگی، غیر خانوادگی و هزینه نمایندگی". *مطالعات حسابداری و حسابداری*، ۱۵ (۴)، ۱۶-۲.
- نمازی، م. (۱۳۸۴). "بررسی کاربردهای تئوری نمایندگی در حسابداری مدیریت". *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، ۲۲ (۲)، ۱۶۴-۱۴۷.
- نمازی، م. و رضایی، غ. (۱۳۹۲). "بررسی اثرات رقابت در بازار محصول بر سیاست تقسیم سود نقدی شرکت‌ها". *راهبرد مدیریت مالی*، ۱ (۳)، ۲۴-۱.
- Agrawal, K.K. (2007). *Corporate Tax Planning*. New Delhi, Atlantic Publishers and Distributors (P) Ltd.; 6th edition.
- Anderson, R.C. and Reeb, D. (2003). "Founding Family Ownership and Firm Performance: Evidence from S&P 500". *Journal of Finance*, 58 (3): 1301-1328.

- Andreou, P.C., Antoniou, C., Horton, J. and Louca, C. (2013). "Corporate Governance and Firm-Specific Stock Price Crashes". *European Financial Management*, 22 (5): 916-956.
- Balakrishnan, K., Blouin, J. and Guay, W. (2018). "Tax Aggressiveness and Corporate Transparency". *The Accounting Review*, In-Press.
- Chen, S., Chen, X., Cheng, Q. and Shevlin, T. (2010). "Are Family Firms more Tax Aggressive than Non-Family Firms?" *Journal of Financial Economics*, 95 (1): 41-61.
- Choi, Y., Zahra, Sh., Yoshikawa, T. and Han, B. (2015). "Family Ownership and R&D Investment: The Role of Growth Opportunities and Business Group Membership". *Journal of Business Research*, 68 (5): 1053-1061.
- Desai, M. and Dharmapala, D. (2006). "Corporate Tax Avoidance and High-Powered Incentives". *Journal of Financial Economics*, 79 (1): 591-623.
- Dyreng, S.D., Hanlon, M. and Maydew, E.L. (2008). "Long-Run Corporate Tax Avoidance". *Accounting Review*, 83 (1): 61-82.
- Fama, E.F. and Jensen, M.C. (1983). "The Separation of Ownership and Control". *The Journal of Law and Economics*, 26 (2): 301-325.
- Frank, M., Lynch, L. and Rego, S. (2009). "Tax Reporting Aggressiveness and Its relation to Aggressive Financial Reporting". *The Accounting Review*, 84 (2): 467-496.
- Graham, J.R. (1996). "Proxies for the Corporate Marginal Tax Rate". *Journal of Financial Economics*, 42 (2): 187-221.
- Hanlon, M. and Heitzman, S. (2010). "A Review of Tax Research". *Journal of Accounting and Economics*, 50 (2-3): 127-178.
- Jensen, M. and Meckling, W. (1976). "Theory of the Firm: Managerial Behavior, Agency Costs and Ownership Structure". *Journal of Financial Economics*, 3 (4): 305-360.
- Kasipillai, J. and Mahenthiran, S. (2013). "Deferred Taxes, Earnings Management, and Corporate Governance: Malaysian Evidence". *Journal of Contemporary Accounting and Economics*, 9 (1): 1-18.
- Kim, K.A. and Limpaphayom, P. (1998). "Taxes and Firm Size in Pacific-Basin Emerging Economies". *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 7 (1): 47-63.
- Lanis, R. and Richardson, G. (2011). "The Effect of Board of Director Composition on Corporate Tax Aggressiveness". *Journal of Accounting and Public Policy*, 30 (1): 50-70.

- McGuire, S.T., Thomas, C.O. and Wang, D. (2012). "Tax Avoidance: Does Tax-Specific Industry Expertise Make a Difference?" *The Accounting Review*, 87 (3): 975-1003.
- Minnick, K. and Noga, T. (2010). "Do Corporate Governance Characteristics Influence Tax Management". *Journal of Corporate Finance*, 16 (5): 703-718.
- Pasternak, M. and Rico, C. (2008). "Tax Interpretation, Planning, and Avoidance: Some Linguistic Analysis". *Akron Tax Journal*, 23 (1): 123-142.
- Richardson, G., Taylor, G. and Lanis, R. (2013). "The Impact of Board of Director Oversight Characteristics on Corporate Tax Aggressiveness: An Empirical Analysis". *Journal of Accounting and Public Policy*, 32 (3): 68-88.
- Salvato, C. and Moores, K. (2010). "Research in Accounting in Family Firms: Past Accomplishments and Future Challenges". *Family Business Review*, 23 (3): 193-215.
- Songini, L., Gnan, L. and Malmi, T. (2013). "The Role and Impact of Accounting in Family Business". *Journal of Family Business Strategy*, 4 (2): 71-83.
- Steijvers, T. and Niskanen, M. (2014). "Tax Aggressiveness in Private Family Firms: An Agency Perspective". *Journal of Family Business Strategy*, 5 (4): 347-357.
- Tsao, S., Lin, C. and Chen, Y.S. (2015). "Family Ownership as a Moderator between R&D Investments and CEO Compensation". *Journal of Business Research*, 68 (3): 599-606.
- Yuan, G., McIver, R. and Burrow, M. (2012). "Corporate Income Tax Aggressiveness in China: Regulatory Environment and Ownership Impact". *Journal of Business Management*, 5 (2): 144-160.